

24.12.2011

امنیت ملی انسجام روش های سیاسی و حفظ منافع ملی در کشور امنیت ملی حافظ اتحاد، حاکمیت، استقلال و دفاع از تمامیت ارضی است:

آقای رحمت اله نبیل که تا اکنون به حیث سرپرست ریاست امنیت ملی اجرای وظیفه میکرد از جانب پارلمان با 208 رای موافق به حیث رئیس امنیت ملی انتخاب شد که فکر میشود زیادترین رای در طول تاریخ شورای ملی بود. گرچه در مورد تاریخچه زندگی، درجه تحصیلات مسلکی آقای رحمت اله نبیل معلومات موثق موجود نیست ولی ادعا میشود که ریاست نو پای امنیت ملی تحت رهبری آقای نبیل در این اواخر دست آورد ها و فعالیت های مثبت از خود نشان داده. که به گفته بعضی ها شاید امیدوار کننده باشد و تا اکنون حکومت آقای کرزی یک نهاد مستقل امنیت ملی که هدف آن بدرجه اول توانائی این کشور در مقابل تهدیدات کشورهای خارجی بخصوص پاکستان که برضد منافع ملی ما عمل میکنند نداشت و توجه جدی برای انکشاف امنیت ملی طوری که شاید و باید در گذشته نشد. بانیست تذکر داد که امنیت ملی به یک کشور امکانات آنرا میسر میسازد تا با شرایط ویژه تهدید های بالقوه و یا بالفعل گروپ های تروریستی داخلی و مداخلات کشورهای خارجی را با امکانات دست داشته خود دفع کند و از نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه ها کشور را در آمان نگهدارد.

از جانب دیگر ما در طول این ده سال جنگ شاهد استیم که قوای ائتلاف مستقر در افغانستان معلومات و اطلاعات استخباراتی خویش را بطور مستقل توسط تجهیزات پیشرفته مانند هواپیما های بدون سرنشین و همچنان توسط دستگاه جاسوسی سی آی ای که ارتباطات محلی را با اشخاص مورد نظر قایم نموده اند و در جمع آوری معلومات استخباراتی برضد فعالیت های تروریستی از ایجننت های خویش استفاده میکنند و افزون بر آن اطلاعات استخباراتی در مورد کشورهای همسایه افغانستان را که در عملیات تروریستی برضد قوای ائتلاف بطور مستقیم فعال اند مانند پاکستان و همچنان از کشورهای سایر منطقه که بطور غیر مستقیم در مداخله با افغانستان دست دارند مانند ایران، روسیه بدست میاورند.

در اوایل ریاست امنیت ملی تحت اداره وزرات دفاع و یا وزرات داخله بود که با یک بوجه حد اقل فعالیت های استخباراتی داشت که آنها در چوکات فعالیت های دفاعی کشور و همچنان کارمندان امنیت ملی تحت اداره وزرات داخله در یک شعبه ائی بنام اداره مبارزه با تروریزم که ساحه فعالیت شان خیلی محدود به مسایل داخلی بود ولی در سطح ملی و منطقوی هیچ مطرح نبودند و امنیت ملی تا چندی قبل یک ارگان و تشکیلات بکلی مستقل نداشت ولی در این اواخر حکومت آقای کرزی بالاخره به اهمیت حیاتی این ارگان استخباراتی پی برد و در صدد آن گردید که امنیت ملی بانیست به حیث یک نهاد بکلی مستقل پایه گزاری و توسعه داده شود. در ابتدا آمریت آنرا آقای امر اله صالح به عهده

گرفت که در پیشرفت و توسعه این سازمان خدمات شایسته انجام داد ولی در اثر مخالفت ها و دسته بندی های اعضای اداره سیاسی آقای کرزی از وظیفه اش کناره جوئی نمود .

امنیت ملی به حیث یک ساختار و تشکیل مستقل به عنوان یگانه مرکز و محور اساسی ورهکشای اساسی سیاست های کلی در بعد سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی یک نظام سیاسی است . و امنیت ملی روی کل ساختار های دفاعی و ارزش های استخباراتی کشور و طرز فعالیت و حفظ مدیریت های سیاسی نظارت داشته و در صدر برنامه کاری آن دفاع از استقلال ، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور است . فعالیت های سیاسی و استراتژی که توسط نهاد های سیاسی تعیین میشود امنیت ملی ضامن تامین آن میباشد . امنیت ملی ساختاری است که دارای تعهد و محرمانیت و حافظ منافع ملی در یک کشور است جریانات سیاسی در یک کشور نظر به شرایط تغییر میکند، رهبران ، مسئولین اداری و سیاسی مانند روسای جمهور، وزرا و دیگر نهاد های سیاسی تغییر میکنند ولی کدر استخباراتی کشور که بخشی از اسرار سیاسی کشور را در خود نهفته دارد و پست های استخباراتی که به اشخاص معین سپرده میشود دراز مدت و بناید سلیقه ائی باشد و نباید توظیف این پست ها از دیدگاه قومی ، زبانی و ستمی تعیین شود بلکه بیشتر این اشخاص از دید وطن پرستی ، تعهد و چگونگی کارکردها برای حفظ منافع ملی باشد و مزید بر آن کارکنان امنیت ملی از کمیت و کیفیت کاری برخوردار و یا بهتر بگویم این اشخاص دارای نکاوت ، تیز هوشی و دارای تعلیمات بخصوص مسلکی در بخش امنیتی باشند .

اگر به پس منظر تاریخی استخبارات نظر شود شاهان و حکومتات مطلقه در گذشته ها دارای یک تشکیل بخصوص بنام مخبران دربار ایجاد میکردند و این گروه صرف برای بقای حکومت امیران و شاهان فعالیت داشتند و برضد مردم و شهروندانی که به نوعی مخالف روش های سیاسی شاهان و امیران بودند شناسائی و بعد توسط امیران مستبد به بند کشیده شده و یا اعدام میگرددند .

امیر عبدالرحمن خان نیز یک گروه مخوف مخبران دربار را بنام گروه "شش کلاه" تشکیل داد و این جاسوسان و وظیفه داشتند که اطلاعات خود را از آوازه ها و افواها در بازار های محلی ، مساجد و دیگر جاهای که محل تجمع مردم بود تهیه نموده به امیر میرسانیدند و به اساس اطلاعات مخبرین که صحت و ثقم آن معلوم نبود بسیار مردم بی گناه جان های شیرین خود را از دست دادند. و در بین شهروندان کشور رعب و وحشت ایجاد و مخبرین امیر عبدالرحمن خان در بین مردم بنام " نام گم " معروف بودند که شبانه به خانه ها داخل شده و شخص مورد نظر را باخود میبردند و دیگر علایم زندگی وی به اعضای فامیل اش معلوم نمیشد .

ریاست استخبارات بشکل گسترده آن در رژیم شاهی در دوره اول صدارت داود خان به فعالیت آغاز نمود و رئیس استخبارات بدون در نظر داشت تعلیم و تجربه مسلکی ولی مورد اعتماد از جانب شخص صدراعظم تعیین میشد و مخبرین ریاست استخبارات به دو گروه دسته بندی شده بودند گروه اول معلومات و اطلاعات استخباراتی را در مورد فعالیت های سیاسی و نظامی پاکستان در سرحدات و حتی داخل پاکستان جمع آوری و به مرکز استخباراتی در کابل میفرستادند و این جاسوسان عموماً در اطراف و نواحی سرحد بین پاکستان و افغانستان زندگی و یک شناخت کلی راجع به زبان و فرهنگ مناطق سرحدی داشتند ، گروه دومی مخبران در شهر های بزرگ و مرکز کابل فعالیت مینمود که وظایف مختلف در وزرات خانه ها و نهاد های دولتی داشتند و حتی کارکنان افغان در

سفارتخانه ها در کابل ارتباط به ریاست ضبط احوالات داشتند . کار کنان ریاست ضبط احوالات اشخاص مسلکی نبودند و بنا بر ارتباط زبانی ، قومی و قبیله گرائی به وظایف مخبری و خبر کشی استخدام میشدند و یک اختناق و ترس ورعب رادر بین مردم ایجاد نمودند و حتی کسانی که به خارج از کشور سفر مینمود سوابق آن در ریاست ضبط احوالات تحقیق شده بعد برای وی امر اخذ پاسپورت صادر میشد . مخبران علناً مردم را تهدید و به اذیت و آزار مردم می پرداختند و آزادی فردی محدود گردیده بود .

کمونستان خلق و پرچم یک تشکیل قوی جاسوسی به نسخه کی جی بی روسیه کمونست شوروی ایجاد که مختصر بنام "خاد" یاد میشد و اعضای این سازمان دهشت افکن از اشخاصی تعیین میشدند که عضویت پارتی خلق ویا پرچم را داشتند و این ایله جاری های کم سواد و بی خرد جنایت کاران حرفوی بودند که روش ها تروریستی و سادیستی را به مقابل مردم بی گناه انجام دادند . به تعداد زیاد اشخاص منور ، تحصیل کرده ها بخصوص کسانی که به کشورهای غرب تحصیل نمودند بودند ، اشخاص معروف و معزز کشور ، روحانیون، زمینداران و سرمایه داران کشور را به بهانه های مختلف تحت تعقیب قرار داده و شبانه این اشخاص را از خانه های شان بر گرفته به زندان پل چرخ انتقال و شبانه این انسان های بی گناه را بطور دسته جمعی اعدام مینمودند . وقتیکه که رژیم خلق و پرچم از هم پاشید جاسوسان خلقی و پرچمی از کشور فرا ر نموده ابتدا به کشورهای کمونستی و یک تعداد زیاد این جنایت کاران به کشورهای اروپائی با تغییر نام زندگی میکنند و از چکیده های کشورهای سرمایه داری تغذیه میشوند و وظیفه هر افغان است که این جنایت کاران را در کشورهای اروپائی ، کانادا و استرالیا جستجو و شناسائی کرده و از راه های قانونی تقاضا کنند که این اشخاص را به افغانستان دیپورت نموده و در آنجا محاکمه شوند .

ریاست نوپای امنیت ملی کشور وظیفه ایمانی و وجدانی دارد که به گذشته های روش سازمان های استخباراتی کشور رجوع نموده جنایات ، خیانت ملی ، آدمکشی اذیت و آزاری را که جاسوسان و مخبرین در رژیم دوره های مختلف به مقابل شهروندان و وطنداران بی گناه مرتکب شده اند بکلی خط بطلان کشیده و یک سازمان مدرن امنیت ملی که اعضای آن جوانان تحصیل کرده ، مسلکی و هدف ان در قدم اول حفظ منافع ملی و در چارچوب اصول و ارزش های ملی شکل گرفته باشد و جلب حمایت و رضایت مردم را بدنبال داشته باشد و نظام سیاسی کشور را برابر برای دستیابی و رسیدن به اهداف ملی موفق تر سازد . و بانیست توان آنر پیدا کند که فعالیت های مخرب جاسوسی را که دستگاه استخباراتی پاکستان در افغانستان براه انداخته بتدریج دفع و اشخاصی را که با دستگاه جاسوسی پاکستان ، ایران و کشورهای دیگر ارتباط دارند شناسائی و دست شان را از فعالیت های سیاسی کوتاه سازند .